

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه تاریخ اسلام
سال هفتم، شماره بیست و ششم، تابستان ۱۳۹۶
صفحات ۱۰۳ - ۱۲۴

زید بن علی علیه السلام رهبر کاریزماتیک زیدیان

محبوبه فرخنده‌زاده^۱

چکیده

زیدیه در سال ۱۲۲ پس از شهادت زید بن علی بن حسین علیه السلام و شکست قیام او شکل گرفت. زیدیان با تأکید بر جایگاه و شخصیت علمی و مذهبی زید، عقاید و دیدگاهش درباره شروط امامت را ترویج و نفوذ کاریزمایی او را در جامعه تقویت کردند. مسئله اصلی پژوهش این است که شخصیت زید چگونه بر بقاء این فرقه و انتقال جانشینی کاریزمایی تأثیر گذاشته است. از این رو افزون بر ویژگی‌های شخصیتی زید بن علی علیه السلام، بحران یا شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی که زمینه‌ساز ظهور رهبری کاریزماتیک در جامعه شده بود، بر مبنای چارچوب جامعه‌شناختی اقتدار (سیادت) کاریزماتیک ماکس وبر بررسی و تبیین شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که زید با گفتمان جدید برای حل بحران سیاسی و اجتماعی شیعیان وارد صحنه سیاست شد و به عنوان رهبر کاریزماتیک زیدیان در شکل‌گیری و بقای فرقه زیدیه نقش مهمی ایفا کرد.

کلید واژه‌ها: زید بن علی علیه السلام، فرقه زیدیه، قیامهای شیعی، ماکس وبر، سیادت کاریزماتیک.

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه فردوسی مشهد. farkhondehzadeh@um.ac.ir

پذیرش: ۹۶/۰۷/۰۶

دریافت: ۹۶/۰۴/۲۸

مقدمه

زیدیان خود را پیرو زید بن علی بن حسین علیه السلام می‌دانند که به دوران خلافت هشام بن عبدالملک اموی (حک. ۱۰۵-۱۲۵)، در کوفه دست به قیام زد. بعد از زید، فرزندش یحیی راه پدر را در خراسان دنبال کرد. برغم شکست سیاسی، این دو قیام در عرصه اندیشه و کلام پیامد و تأثیرات بسیاری گذاشتند، به گونه‌ای که معتقدان آنها با نام زیدیه تا به امروز در ممالک اسلامی چون حجاز، یمن، مصر و شمال آفریقا پراکنده‌اند. درباره پیدایش و عقاید زیدیه از سده‌های نخست در منابع تاریخی، کلامی، فرق و ملل و نحل مطالبی بسیار نقل شده است؛ اما تاکنون پژوهشی مستقل درباره علل و عوامل شکل‌گیری فرقه زیدیه و رهبری زید بن علی با رویکرد جامعه‌شناختی صورت نگرفته است. نوشتار پیش‌رو بازخوانی با رویکرد جامعه‌شناختی از سیادت و جاذبه زید بن علی به عنوان پایه‌گذار فرقه زیدیه بر مبنای نظریه اقتدار کاریزماتیک ماکس وبر است. علاوه بر این با استناد به گزارش‌های تاریخی و تحلیل و تعلیل داده‌ها بر مبنای سلطه جاذبه کاریزمایی، به راه‌کار زیدیان برای توجیه و تبیین مسئله جانشینی و زعامت فکری و سیاسی زیدیه پاسخ داده خواهد شد. از این‌رو ویژگی‌های کاریزمایی زید به عنوان رهبر کاریزماتیک زیدیان و پیامد سیاسی و کلامی دیدگاه وی درباره امام و تأثیر آن در انتقال جانشینی کاریزمایی مسئله اصلی این پژوهش است. به جهت تبیین چارچوب نظری، نخست به سیادت کاریزماتیک اشاره خواهد شد.

چارچوب مفهومی

ماکس وبر جامعه‌شناس بزرگ آلمانی به تحلیل دولت و رابطه پیچیده آن با جامعه علاقه داشت. عقلانیت، کاریزما، اخلاق پروتستانی و بوروکراتیزه شدن از موضوعات اساسی آثار و براند. نظریه انواع حاکمیت که همان مطالعه نظام‌های سیاسی مشروع و نهادهای قدرت و دولت در آنهاست، از مهم‌ترین مباحث و در واقع مبنا و اساس جامعه‌شناسی وبر است. او در جامعه‌شناسی خود مفاهیم سیاست، قدرت و سیادت^۱

۱. واژه Herreschaft معمولاً به سلطه (Domination) ترجمه می‌شود. با توجه به منشأ و مفهوم به کار گرفته شده



(سلطه) مشروع را به روشنی تعریف می‌کند و نمونه‌های متعالی از اتوریته^۱ و یا سلطه مشروع را بیان و مشخصات هر یک را بر می‌شمرد.

از دیدگاه وبر دعاوی مشروعیت (اقتدار) بر سه نوع کلی‌اند: قانونی-عقلانی (بوروکراتیک)،^۲ سنتی^۳ و کاریزماتیک^۴ (فرهمند). به نظر وی اگر سیادت مبتنی بر باورها و روابط و ارزش‌های سنتی باشد، سیادتی سنتی است. اگر مبتنی بر پذیرش قانون باشد، سیادتی قانونی - عقلایی خواهد بود و سرانجام، سیادتی که مبتنی بر ارتباط درونی (عاطفی-ارزشی) بین یک رهبر کاریزمایی از یک سو و پیروان وی از سوی دیگر باشد، سیادتی کاریزمایی خواهد بود. وبر در بیان ویژگی‌های سیادت کاریزماتیک، نخست واژه کاریزما را تعریف کرده می‌نویسد: «کاریزما برای خصوصیات ویژه شخصیت یک فرد که به سبب همین ویژگی از افراد عادی جدا می‌شود و به عنوان کسی که صاحب توانایی یا خصوصیات فوق طبیعی، انسانی یا استثنایی است، استفاده می‌شود این ویژگی‌ها برای افراد عادی قابل دسترسی نیستند، بلکه منشأ آنها اله و یا منحصر به فرد است و به همین سبب فرد به عنوان رهبر شناخته می‌شود» (وبر، اقتصاد و جامعه، ۶۵۴-۶۵۵). در نتیجه چنین اعتقادی، پیروان به رهبر کاریزمایی، با آمیزه‌ای از حرمت، هیبت و وفاداری می‌نگرند (برایمن، به نقل از جلالی‌پور، «مقایسه سلطه فره‌مندانه و سلطه کاریزماتیک با اتکا به آراء وبر؛ ایضاح یک خلط مفهومی»، ۴۱).

۱. عوامل شکل‌گیری کاریزما

فرایند تکوین کاریزما چگونه است؟ یا چگونه یک فرد ویژگی کاریزمایی پیدا می‌کند؟ از سوی دیگر پیروان چگونه به او اعتماد و گروش دارند؟ پاسخ به این سؤالات از دو جنبه قابل بررسی است؛ نخست تبیین صفات و ویژگی‌های فردی و شخصیتی رهبر کاریزمایی و دوم علل گرایش و اعتماد پیروان به رهبر کاریزما.

توسط وبر به نظر می‌رسد که سیادت از نظر معنایی رساتر باشد (وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۹۱).

1. Authority
2. Bureaucratic
3. Traditional
4. Charisma

۱.۱. ویژگی‌های رهبر کاریزماتیک

وبر برای رهبر کاریزما مجموعه ویژگی‌هایی را برشمرده است که بخشی از آن به ماهیت رهبری اختصاص دارد و بخشی دیگر به کارکردهای آن مربوط می‌شود. به تعبیری رهبر باید واجد چه شرایطی باشد که توده مردم از او پیروی کنند؟ و ارزیابی رهبر از سوی پیروان چگونه است؟ رهبر کاریزما باید از ویژگی‌های شخصیتی برخوردار باشد تا قابلیت و اقتدار کاریزمایی پیدا کند. پذیرش رهبر از سوی کسانی که در این نوع سیادت قرار دارند، برای اعتبار کاریزما تعیین‌کننده است. باورمندی به رهبر از سوی پیروان آزادانه‌ست و با آنچه به عنوان نشانه تلقی شده، تضمین می‌شود. نشانه می‌تواند معجزه، اعتماد به وحی، عمل خارق‌العاده، قهرمانی و اعتماد کامل به رهبر باشد (وبر، اقتصاد و جامعه، ص ۴۵۵). به اعتقاد وبر ویژگی اساسی رهبر کاریزمایی به‌ویژه در جنبش‌های مذهبی و شخصیت‌هایی مانند پیامبران رسالت است (همو، ۴۵۶). محققان برای نمونه‌های عادی‌تر کاریزما مجموعه‌ای از صفات شخصیتی در نظر گرفته‌اند. ویژگی‌هایی نظیر دارا بودن جاذبه‌ای قدرتمند، نفوذ، اقتدار، جذابیت جسمانی، قدرت تحمل، اعتماد به نفس، فهم نیاز دیگران و نفوذ بر آنها رهبر کاریزما را از افراد عادی جدا و همچون محرکی پیروان را ترغیب می‌کند تا از او اطاعت کنند (عابدی جعفری، ۱۴۷).

۲.۱. وضعیت اجتماعی (بحران)

بر مبنای رهیافت نخست مشروعیت و سلطه کاریزما، به خصیصه رهبر کاریزماتیک چون قاطعیت، قدرت، اراده شخص کاریزما و قائم به ذات بودن بستگی دارد. پایگاه اجتماعی ویژه فرد، در ظهور رهبری کاریزماتیک در سطح وسیع نیز مؤثر است. اما صرف وجود برخی صفات در رهبر، کافی نبوده و این ویژگی‌ها باید از سوی پیروان مورد پذیرش قرارگیرد. به سخن دیگر در اقتدار کاریزمایی پیروان برای مشارکت و گروش به رهبر به مطلبی فراتر از باور نیازمندند، چراکه تنها نمی‌توان اقتدار کاریزمایی را با پذیرش صفات رهبری تبیین کرد. جدا از صفات رهبر و ویژگی‌های شخصیتی، باید شرایطی وجود داشته باشد تا گروهی حول محور یک فرد قرارگیرند. رهیافت دوم به دریافت پیروان و گرایش‌های آنها به رهبری کاریزما و شرایط عینی و ذهنی

شکل‌گیری باورمندان تأکید دارد (جلایی پور، «شرایط شکل‌گیری و یا افول رهبر کاریزمایی»، ۱۱). به منظور درک شکل‌گیری کاریزما باید از متغیرهای دیگری نیز کمک گرفت. مفهوم وضعیت اجتماعی از عوامل زمینه‌ساز تشکیل فرایند کاریزماست. وبر برای نشان دادن متغیر وضعیت اجتماعی که سبب باور و گرایش مردم به رهبر کاریزما می‌شود، از مفهوم بحران استفاده کرده است (بندیکس، ۳۲۸). بحران از مفاهیم و متغیرهای زمینه‌ساز برای تعیین موقعیت رهبر کاریزماست. بی‌ثباتی، ضعف نهاد و حضور رهبران سیاسی که دارای انگیزه‌اند، بزرگترین فرصت برای انجام اقدامات تعیین‌کننده به شمار می‌رود (جلایی پور، «شرایط شکل‌گیری و یا افول رهبر کاریزمایی»، ص ۱۳). شدت بحرانی که پیش روی جامعه قرار دارد، نوع رهبری که می‌تواند به مؤثرترین شکل، مسائل اجتماعی را حل کند (کرایب، ۲۳۲) و در نهایت موقعیت‌هایی که مردم ضرورت تحول ناگهانی در سیستم سیاسی و اجتماعی را احساس کنند، روی هم شرایطی را به وجود می‌آورد تا رهبر کاریزمایی بتواند مهمترین نقش را ایفا کند (عابدی جعفری، ۱۴۳). گاه یک موقعیت نامطلوب یا بحران شدید همراه با احساس محرومیت، موجب شکل‌گیری کاریزما می‌شود. در حقیقت با این نگرش فهم دیگری از کاریزما به دست می‌آید. سیادت کاریزمایی که با فعالیت شخص رهبر ظهور می‌کند، علاوه بر ویژگی‌های شخصی و فردی شخص کاریزما، مستلزم شرایط و زمینه‌هایی سیاسی - اجتماعی است تا به حضور مؤثر وی در جامعه کمک کند.

رهبری کاریزماتیک پدیده‌ای است که بیشتر در شرایط و وضعیت‌های منحصر به فرد و نادر ظهور می‌کند. اشتیاق ناخودآگاه پیروان و محرومان از خودشیفتگی، عاملی است که پیروان برای جبران آن به سراغ رهبر می‌روند. در جوامعی که بحران‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و روانی وجود دارد، نیاز بیشتری به رهبری کاریزمایی احساس می‌شود. افراد در جوامع در حال گذار از نظام عشیره‌ای در نوعی خلأ به سر می‌برند. به عبارتی افراد در این جوامع به نوعی خود را محتاج جنبش کاریزمایی می‌دانند تا بتوانند از طریق کرامات و معجزات مشکلات اجتماعی‌شان را حل کنند. از اینرو جامعه در شرایط بحرانی به قدرت کاریزماتیک متوسل یا متمایل می‌شود. ناامیدی و شرایط بحرانی جامعه به توهمات دامن می‌زند که مردم را در انتظار یک ناجی آسمانی قرار

می‌دهد. جنگ‌ها، عناصر سستی (تفکر قبیله‌ای و مذهبی)، پایگاه اجتماعی، ایدئولوژی و نظایر اینها از دیگر عوامل مهم و کارآمد در ظهور رهبران کاریزمایی‌اند (نقیب‌زاده، ۱۵۹؛ کرایب، ۲۳۴-۲۳۵).

بحث تاریخی

انگیزه و هدف زید بن علی علیه السلام از قیام، دیدگاهش به مسئله امامت و شروط امام، بن‌مایه فکری عقاید زیدیه در پذیرش رهبر کاریزمایی و انتصاب امامان زیدی به شمار می‌رود. از این‌رو شخصیت و آراء زید به طور گذار مورد بررسی قرار می‌گیرد.

زید بن علی بن حسین علیه السلام

زید بن علی بن حسین علیه السلام، اولین علوی بود که بعد از واقعه عاشورا، علیه ظلم و ستم دودمان اموی قیام کرد. در مورد علل و انگیزه قیام زید، در منابع اختلاف نظر وجود دارد. برخی از گزارش‌های تاریخی، علت قیام وی را مطالبه حقوق از دست رفته آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم ذکر کرده‌اند. به تصریح منابع، وی امامت را نه برای خود بلکه برای برگزیده آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم می‌خواست (کلینی، ۲۱۹). شیخ مفید می‌نویسد: «زید جدا از مقام علمی، از لحاظ دلاوری و شجاعت نیز سرآمد بود، به همین سبب بر دولت اموی خروج کرد؛ انگیزه او از قیام، امر به معروف و نه از منکر و خونخواهی امام حسین علیه السلام بود. زید می‌دانست که بردارش امام محمدباقر علیه السلام شایسته‌ترین شخص برای منصب امامت است و پدرش زین‌العابدین علی بن حسین علیه السلام، در وصیت خود به امامت او تصریح کرده است» (مفید، ۲۶۸). نظر مفید به سبب شواهد و مدارک قابل دفاع نیست، زیرا در منابع تاریخی گزارش‌هایی در دست است که بر دعوت زید برای خود (ابوالفداء، ۲۰۴/۱) و یا انتظار وی برای جانشینی بعد از امام محمدباقر علیه السلام دلالت دارد (ابن طقطقی، ۹۷). زید به بهانه اختلاف مالی با یزید بن خالد قسری به دستور هشام خلیفه اموی (حک. ۱۰۵-۱۲۵ق) بازداشت شد. در پی ادعای یزید بن خالد قسری والی معزول عراق، زید برای رد ادعای وی به دستور خلیفه اموی به شام رفت. خلیفه برای معلوم شدن نتیجه امر و مذاکره با خالد، او را به عراق فرستاد (ابوالفرج اصفهانی، ۲۰۵/۱). زید پس از رفع اتهام، با وجود اصرار والی بر ترک کوفه، به دعوت گروهی از

شیعیان در آنجا اقامت کرد (همو، ۲۰۸؛ ابن طقطقی، ۱۳۱). زید برغم توصیه برخی از علویان^۱ به بی‌وفایی کوفیان و عدم همراهی آنها در قیامها (ابوالفرج، ۲۰۹/۱)، با اعتماد به آنها و دل بستن به تعداد بیعت‌کنندگان، دعوت را پذیرفت و در به کوفه ماند (یعقوبی، ۳۲۶/۲؛ ابوالفرج، ۲۱۰/۱). لازم به ذکر است که علاوه بر کوفیان برخی از حسنینان از جمله محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله بن حسن محض در قیام زید شرکت داشتند (محلّی، ۱/ ۲۵۵). قیام زید بن علی علیه السلام به سال ۱۲۲ پس از علنی شدن به شکست انجامید. بعد از شهادت زید، فرزندش یحیی راه پدر را دنبال کرد. در کوفه پیروان زید از اطراف یحیی پراکنده شدند، به این ترتیب او به خراسان رفت و در ناحیه جوزجان با همراه شیعیان آن ناحیه، خود را برای مقابله علیه ظلم و ستم دولت اموی آماده کرد. قیام یحیی نیز به سال ۱۲۵ سرکوب شد و خود و اصحابش به شهادت رسیدند (یعقوبی، ج ۲/ ۳۳۱-۳۳۲؛ ابوالفرج، ۱/ ۲۳۵؛ ابن اثیر، ۲۷۱/۵).

موقعیت کاریزمایی زید بن علی

مطلب قابل تأمل آن است کدام ویژگی زید زمینه‌ساز شکل‌گیری باورهای کاریزمایی در پیروان نسبت به او شد؟ این ویژگی‌ها چگونه توانست اعتبار و جاذبه‌ای در جامعه برای وی به وجود آورد؟

۱. ویژگی‌های شخصیتی

نسب

زید فرزند امام علی بن حسین زین‌العابدین علیه السلام و برادر امام محمدباقر علیه السلام است، وی در خاندانی شریف پرورش یافت. درباره زید روایات بسیار به نقل از پیامبر و امامان نقل شده است و پیشوایان دینی از وی به عنوان یکی از شخصیت‌های علمی تمجید کرده‌اند. ابوحنیفه در حق وی گفته است: «من در این زمان دانشمندتر از زید نیافتم» و او را با لقب «حلیف قرآن» و «شهد» می‌خواند (هارونی، ۱۳). افزون‌بر مقام علمی زید

۱. زید حتی با برادرش امام محمد باقر علیه السلام مشورت کرد و امام نیز بی‌اعتمادی کوفیان را به وی متذکر شد (مسعودی، مروج الذهب، ۲۰۶/۳).

از نظر شجاعت و دلاوری نیز سرآمد بوده است (همو). دانش، وسعت علم، تبار خانوادگی، شخصیت والا، زهد و عبادت در تثبیت موضع‌گیری و گروش مردم به زید مؤثر بود.

۲. بحران

متغیر بحران مهمترین بستر ظهور کاریزما در جامعه است. بحران شرایطی را به وجود می‌آورد که از یکسو رهبر توانمند می‌تواند با طرح راه حلی نو و دیدگاه جدید، مردم را به سوی خود جذب کند و از سوی دیگر تحولات سیاسی و روانی وضع موجود، مردم را برای پذیرش اقتدار کاریزمایی آماده می‌کند. رهیافت بحران در قیام زید هر دو کارکرد را داشته است. زید بعد از واقعه عاشوار و فشار خاندان اموی بر علویان توانست از این موقعیت استفاده کند و با هدف انتقام و امر به معروف و نهی از منکر وارد صحنه سیاست شود. از سویی شیعیان کوفه نیز به دلیل ستم‌های امویان از لحاظ روانی و عاطفی آمادگی پذیرش و گروش به چنین شخصیتی را داشتند. بر اساس گزارشهای تاریخی با ورود زید به کوفه، برخی از شیعیان منطقه از وی دعوت کردند تا رهبری قیام را به دست گیرد (ابوالفرج، ۲۰۸/۱؛ ابن طقطقی، ۱۳۱). به این ترتیب زید با درک عواطف ناشی از رویارویی با بحران موجود (وضعیت شیعیان) و احساس نیاز کوفیان به راه‌حل نو به دیدگاه رهبری و زعامت سیاسی، سعی در پذیرش و تقویت شخصیت کاریزمایی خود داشت. پیروان و باورمندان نیز برای بهبود وضعیت نامطلوب اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود، با اعتماد و پذیرش زید، زمینه‌ساز شکل‌گیری فرایند رهبری کاریزماتیک وی شدند.

۲.۱. رویکردی جدید به مسئله رهبری

زید با ارائه اندیشه امامت انقلابی طرحی هوشمندانه را به همفکران القاء کرد و روش جدیدی را برای مشروعیت رهبری جامعه مطرح کرد. وی که مدعی جانشینی بود، علاوه بر نظریه نصّ (نصب الهی) مسئله قیام به سیف را نیز عنوان کرد. اعتقاد به خط مشی سیاسی و سیاست تهاجمی از سوی زید بن علی علیه السلام سبب شد تا وی و باورمندان به این اعتقاد از سایر فرق متمایز شوند، این اعتقاد رهیافتی برای رسیدن به

قدرت سیاسی بود. پیروان و اطرافیان زید بعد از او مکتبی تشکیل دادند که در دیدگاه آنها امامت، صرفاً منصبی سیاسی بود و شناسایی و مرجعیت امام با قیام به سیف و کسب قدرت تحقق می‌یافت. به این ترتیب چهره کاریزمایی زید جلوه‌گر شد چه اقتدار کاریزمایی مستلزم نفی ارزشهای سنتی و دگرگونی نظم کهن و تثبیت شده است و بیشتر در واکنش به بحران به صورت نیروی انقلابی عمل می‌کند (موقن و تدین، ۱۱۱).

۲.۲. وضعیت سیاسی و اجتماعی شیعیان

قیام و اندیشه زید به سبب فضای جامعه‌شناختی کوفه مورد پذیرش کوفیان قرار گرفت. کوفه از مراکز مهم تشیع به شمار می‌رفت. شیعیان کوفه بعد از واقعه عاشورا برای جبران عدم همراهی با امام حسین علیه السلام، آماده قیام علیه دولت اموی بودند. مشارکت کوفیان در قیام توأبین، مختار ثقفی و قیام زید حکایت از آمادگی مردم این شهر به منظور دفاع از خاندان علی علیه السلام و مبارزه علیه ظلم و ستم اموی دارد. بر اساس گزارش‌های تاریخی زید در راه بازگشت از شام در حیره اقامت کرد. بعد از ورود زید به شهر کوفه، هواداران علوی در این شهر او را به قیام دعوت کردند. زید در کوفه رساله‌ای درباره ستم بنی‌امیه، مظالم و فجایع آنها نوشت و به شهرهای مختلف فرستاد و مردم به جهاد علیه امویان دعوت کرد (بلاذری، ۵۲۶/۲-۵۲۷). مبارزه و مخالفت علنی زید با حکومت اموی سبب برجسته شدن وی در نگاه مردم شد.

افول کاریزما

پیشتر اشاره شد سلطه کاریزما فرمانبرداری از فردی با قداست، دلاور و دارای ویژگی‌های خارق‌العاده است (ترنر، ۷۱). ویژگی‌های وارثی و رابطه خویشاوندی زید با خاندان پیامبر رهیافتی برای پذیرش جاذبه کاریزمایی وی در جامعه شد. علاوه بر صفات رهبری کاریزما، در نظام کاریزمایی هر اقدام فرهمندی نیازمند آفرینش الزامها، مناسبات اجتماعی و اندیشه‌های جدید است (همو). شخص کاریزما برای تغییر شرایط سیاسی و اجتماعی جامعه وارد صحنه قدرت می‌شود. درحقیقت اعتبار و نفوذ و پذیرش رهبری اقتدار کاریزمایی علاوه بر صفات اخلاقی و شخصیتی، تلاش وی برای تغییر شرایط موجود است. در دورانی که زید قیام مسلحانه را سازمانده می‌کرد،

نابرابری و تضادهای اجتماعی و سیاسی شیعیان در دوره حاکمیت خلفای غاصب اموی، سبب همگرایی آنها با زید بن علی علیه السلام شد. بر مبنای نظریه سیادت کاریزمایی «بحران» زمینه را برای ایجاد شور و عواطف و احساس در جامعه برمی‌انگیزاند. به تعبیری برخی از شیعیان برای تغییر شرایط موجود با احساس شور و عواطف ناشی از مواجهه با بحران به جاذبه کاریزمایی زید گرایش پیدا کردند. چنانکه وبر زمانی که سیادت کاریزماتیک را با سیادت سنتی و عقلانی مقایسه می‌کند، به این مطلب اشاره دارد که اقتدار کاریزما کنشی احساسی است که به نیروی دگرگون‌ساز تبدیل می‌شود (وبر، اقتصاد و جامعه، ۴۵۸).

در حقیقت صفات و ویژگی‌های فردی زید و راه حل وی برای تغییر وضع موجود سبب شد تا گروه شیعیان به رهبری او گرایش پیدا کنند؛ اما شکست قیام زید و شهادتش، نشان از افول جاذبه کاریزمایی وی دارد؛ به ویژه آنکه زید در موعد قیام با عدم همراهی پیروان و بیعت کنندگانش مواجه شد. در بررسی نظام کاریزمایی وبر، از مفاهیم اینگونه برداشت می‌شود که جاذبه کاریزمایی رهبر در اقتدار کاریزماتیک بی‌ثبات است و گاه ممکن است رهبر جاذبه کاریزمایی خود را از دست بدهد (بندیکس، ۳۲۹). اقتدار و تداوم موقعیت رهبر کاریزما در گروهی توانایی اجرای دعاوی برای پیروانش است. چنانکه اگر مدعی پیامبری است باید معجزه داشته باشد و یا اگر سردار جنگی است باید دست به اقدام بزند و کارهای قهرمانانه انجام دهد (وبر، دین، قدرت، جامعه، ۲۸۲). رهبر کاریزما از پیروانش می‌خواهد برای تحقق رسالتش از او اطاعت کنند. ادعای او در صورتی معتبر است که پیروان رسالتش را به رسمیت شناخته اعتبار و درستی رسالتش را باور کنند (بندیکس، ۳۲۹). به نظر وبر، رهبر کاریزما باید دعاوی خود را محقق کند، در غیر این صورت پیروان، رسالتش را رد کرده و اعتبار رهبر از میان می‌رود. به اعتقاد وی رهبری که مشروعیتش متکی بر کاریزمایی شخصی است به لطف کسانی که از او پیروی می‌کنند، رهبر می‌شود (وبر، اقتصاد و جامعه، ۴۵۸). به تعبیری اگر رهبر کاریزماتیک موفقیتی به دست نیاورد به تدریج پیروانش را از دست داده و جاذبه استثنایی وی افول می‌کند.

تطبیق و مقایسه نظریه جامعه شناختی با تعلیل داده‌های تاریخی قیام زید بن علی علیه السلام

نشانگر آن است که زید ادعای خود مبنی بر قیام مسلحانه علیه ظلم و ستم خلفای اموی را محقق ساخت. بنابراین شکست قیام وی یا به بیان دیگر افول کاریزمایی زید را باید در صداقت باورمندانش جستجو کرد. مطلب مهم آنکه وجهه و جاذبه رهبری باید در نگاه کسانی که صادقانه خود را تسلیم او کرده‌اند، به اثبات برسد. افول جاذبه رهبری زید و همراهی نکردن گروهی از پیروانش در موعد مقرر، مبتنی بر بافت جمعیتی و ساختار سیاسی و اجتماعی شهر کوفه و حضور قبایل طرفدار حاکمیت امویان در این شهر بود (ماسینیون، ۱۶، ۵۱؛ هندز، ۱۲۰-۱۲۲). همچنین اندیشه سیاسی زید و نگاه وی به جواز امامت مفضول بر افضل در پراکندگی پیروانش نقش داشت.^۱

جانشینی کاریزما

وبر در توضیح سلطه کاریزماتیک به حالت روزمرگی و عادی شدن کاریزما اشاره می‌کند. وی معتقد است این نوع سیادت در حالت اصیل خود، سرشتی غیرمعمول دارد. اقتدار (سیادت) عبارت از مناسبات اجتماعی است که به اعتبار و اثبات ویژگی‌های کاریزما بستگی دارد و در صورت تداوم از آسیب کوتاه مدت و گذرا بودن، عبور می‌کند. در این صورت سرشت کاریزمایی که در پیدایش خود نمونه خالص بوده، به نوع سیادت سنتی یا قانونی دگرگون می‌شود. علل دگرگونی سیادت کاریزماتیک نخست منافع معنوی و مادی پیروان در بقاء و تجدید حیات دایمی جمع است. منافع قوی‌تر معنوی و مادی نظام گرداننده پیروان ایجاب می‌کند که اول، مناسبات کاریزمایی ادامه یابد و دوم به گونه‌ای ادامه یابد که موقعیت آنها حالت مستمر و روزمره پیدا کند. این منافع و مصالح با فقدان شخص کاریزما و مطرح شدن مسئله جانشینی به شکل حادی نمایان می‌شود. اما وبر برای حلّ این بحران راه‌کارهایی زیر ارائه می‌دهد:

الف: تلاش مجدد برای یافتن رهبری کاریزمایی که طبق شواهد و علایم، صلاحیت سیادت را داراست.

ب: تعیین جانشین توسط خود کاریزما و قبول آن از سوی پیروان.

۱. درباره دیدگاه زید در باب خلافت شیخین رجوع شود به (طبری، ذیل حوادث سال ۱۲۲، ۱۸۰/۷)؛ البته برخی از محققان معاصر نسبت این تفکر به زید را افترا دانسته‌اند (کریمان، ۲۰۳، ۲۳۶).

ج: تعیین و انتصاب جانشین توسط دستگاه کارزمایی گرداننده اجتماع کارزمایی و پذیرش و به رسمیت شناختن وی از سوی اجتماع مورد نظر (وبر، اقتصاد و جامعه، ۴۶۰-۴۶۱).^۱

جانشینی کارزماتیک زید بن علی علیه السلام

۱. همگرایی علویان حسنی با قیام زید و یحیی

مسئله مهم در نظریه جامعه‌شناختی اقتدار کارزماتیک، جانشینی کارزما است. از این‌رو بررسی جانشینان زید و امامان زیدی، برای تبیین طرح چارچوب مفهومی این پژوهش ضروری به نظر می‌رسد.

بعد از زید، فرزندش یحیی راه پدر را دنبال و رهبری قیام علیه ظلم و ستم دولت اموی را به دست گرفت (یعقوبی، ۳۳۱/۲-۳۳۲؛ شهرستانی، ۱۱۵). با شهادت زید بن علی علیه السلام هوادارانش از اطراف یحیی پراکنده شدند، با این حال به فعالیت‌های خود ادامه دادند. به این ترتیب او به خراسان رفت و در ناحیه جوزجان با همراهی شیعیان آن ناحیه، خود را برای مقابله علیه دولت اموی آماده کرد. قیام یحیی به سال ۱۲۵ سرکوب و یحیی و اصحابش به شهادت رسیدند (یعقوبی، ۳۳۲/۲؛ ابوالفرج، ۲۳۵/۱؛ ابن‌اثیر، ۵/۲۷۱). با شکست قیام زید و فرزندش یحیی، شاخه علویان حسنی به رهبری عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام (عبدالله محض)، در مرجعیت فکری و سیاسی زیدیان نقش بارزی ایفا کردند. با شهادت زید و یحیی، محمد بن عبدالله محض رهبری قیام زیدیان را به دست گرفت و زیدیه با وی همراه شدند. درباره محمد بن عبدالله به جز گزارش‌هایی پراکنده از جایگاه علمی و اجتماعی او و همراهی‌اش با قیام زید (محلّی، ۲۵۵/۱)، اطلاعی در دست نیست. به گزارش ابوالفرج اصفهانی، محمد در اواخر خلافت امویان (سال ۱۲۶) خود را امام برحق دانسته و از مردم برای خود بیعت گرفت (ابوالفرج، ۱/۳۶۱). عبدالله بن حسن بن حسن در ناحیه ابواء در نزدیکی مدینه مجمعی تشکیل داد که برای پسرش محمد با عنوان مهدی، دعوت می‌کرد (همو، ۳۰۴/۱، ۳۵۴). هم‌زمان با

۱. البته وبر نمونه‌های دیگری نیز برای جانشینی نقل کرده است (نک. وبر، اقتصاد و جامعه، ۴۶۱).



روی کار آمدن عباسیان، محمد که حکومت را از آن خود می‌دانست، آماده قیام شد. وی پس از تجهیز و سازماندهی سپاهان، در رجب سال ۱۴۵ در مدینه دعوت خود را علنی کرد (طبری، ۵۵۲/۷؛ ابن‌اثیر، ۵/۵۲۹). مدتی بعد برادرش ابراهیم بن عبدالله نیز در بصره رهبری قیام را به دست گرفت. قیام محمد نفس‌زکیه، به سبب عدم هماهنگی و برنامه‌ریزی و فشار یاران، پیش از موعد مقرر صورت گرفت (طبری، ۵۵۲/۷).^۱ علاوه بر این هم‌زمان نبودن دعوت وی با برادرش ابراهیم و جدیت منصور عباسی (۱۳۶-۱۵۸) برای سرکوب کردن قیام محمد (یعقوبی، ۲/۳۶۹، ۳۷۷؛ طبری، ۷/ذیل حوادث سال ۱۴۵)، نتیجه‌ای جز شکست و کشته‌شدن وی و یارانش در برنداشت. به گزارشی نفس‌زکیه، ابراهیم را جانشین و وصی بعد از خود قرار داده بود (ابوالعباس حسنی، ۴۲۸). ابراهیم با وجود موفقیت‌های چشمگیر در آغاز نبرد، سرانجام مغلوب سپاه منصور خلیفه عباسی شد و در قریه باخمرا به سال ۱۴۵ کشته شد (یعقوبی، ۲/۳۷۹؛ ابن‌اثیر، ۵/۵۶۹). منابع نام محمد نفس‌زکیه و ابراهیم را در ذیل امامان زیدی ذکر کرده‌اند (شهرستانی، ۱۱۴-۱۱۵). از آنجایی که قیام محمد و ابراهیم، با فاصله کمی بعد از زید و یحیی صورت گرفت و همچنین فاطمی بودن نفس‌زکیه و انگیزه وی برای مبارزه و قیام علیه ظلم و ستم، از جمله دلایلی است که از دعوت نفس‌زکیه و برادرش ابراهیم با عنوان قیام زیدی یاد شده است. علاوه بر این می‌توان به همراهی محمد و ابراهیم با قیام زید و نیز مشارکت و حضور زیدیان با قیام نفس‌زکیه (طبری، ۴/۶۰۴؛ ابن‌اثیر، ۵/۵۹۵-۵۹۶) و مهمتر از آن، گزارش وصایت و جانشینی محمد بن عبدالله به رهبری و زعامت قیام از سوی یحیی بن زید اشاره کرد (ابن‌خلدون، ۱/۲۵۰). طبق گزارشی تاریخی یحیی پس از آنکه آماده قیام شد، صحیفه‌ای که از پدرش در دست داشت به متوکل بن هارون داد و از او درخواست کرد پس از مرگ وی آن را به پسران عبدالله محض برساند (صحیفه سجادیه، ۶۲۱-۶۱۷). ابن‌خلدون در این باره نوشته است: «زیدیان پس از قتل زید به امامت پسر وی یحیی قائلند که به خراسان رفت و در گوزگان کشته شد. یحیی وصیت کرده بود که پس از درگذشت وی، امامت به محمد

۱. ابن‌اثیر بیماری ابراهیم برادر محمد را دلیل ناهماهنگی قیام آن دو نوشته است (ابن‌اثیر، ۵/۵۲۹).

بن عبدالله بن حسن بن حسن سبط، ملقب به نفس زکیه برسد» (ابن خلدون، ۲۵۰/۱). به این ترتیب رهبر فکری نهضت و پیشوایی زیدیان به تشخیص و وصیت یحیی بن زید (حقیقت، ۱۴)، به محمد بن عبدالله بن حسن بن حسن علیه السلام از شاخه علویان حسنی، رسید. چنانکه قبلاً اشاره شد محمد نفس زکیه در موقع مرگ، برادرش ابراهیم را در بصره جانشین خود کرد؛ بنابراین ابراهیم بن عبدالله، طبق اصول زیدیه امامت و رهبری فکری و سیاسی زیدیه را بر عهده گرفت (همو، ۱۷؛ ابوالعباس حسنی، ۴۲۸). بعد از شکست محمد و ابراهیم، زیدیان با علویان حسنی همراه شدند و آنها را در قیام و خروج علیه ظلم و ستم خلافت عباسی (۱۳۲-۶۵۶) همراهی کردند. به طور کلی با بررسی سلسله امامان زیدی و پی گیری جایگاه اعقاب علویان حسنی در عرصه سیاست، آنها رهبران و امامان فکری و سیاسی زیدیه و مؤسس دولت های زیدی ایران، مغرب و یمن بودند. بنابراین هر چند رهبر زیدیه (زید بن علی علیه السلام) از علویان حسینی بود، اما امامان و پیروان زیدی از حسنیان بودند. پیش از پرداختن به مسئله حل بحران جانشینی زیدیان طبق نظریه وبر، اشارتی مختصر به علل انتقال رهبری سیاسی و فکری زید به علویان حسنی خواهد شد.

گرچه منابع به درگیری زید بن علی با عبدالله بن حسن بن حسن محض اشاره دارند؛ اما زمانی که عبدالله محض از اقامت زید بن علی علیه السلام در کوفه و بیعت با کوفیان مطلع شد، نامه ای به زید نوشت و او را از اعتماد به کوفیان برحذر شد. در این نامه عبدالله محض به بی وفایی کوفیان آنها اشاره دارد و هشدار می دهد کوفیان زبانشان جلوتر از خودشان است و قلبشان آنها را همراه نمی کند. عبدالله به زید تذکر داد که کوفیان نامه های دعوت را به وی نیز نوشته اند، اما او به کوفیان اعتماد نداشته و به سخنان آنان توجه نکرده است (طبری، ۷/ ۱۶۱). با وجود نصیحت عبدالله محض بزرگ علویان حسنی، زمانی که کوفیان و شیعیان نواحی مختلف با زید برای قیام علیه ظلم و ستم دولت اموی بیعت کردند، محمد (نفس زکیه) بن عبدالله محض و ام عبدالله دختر امام حسن علیه السلام نیز از حسنیانی بودند که با زید در قیام علیه دولت اموی شرکت داشتند (ابوالعباس حسنی، ۴۰۳؛ محلی، ۲۵۵/۱). زیدیان نیز از همان آغاز با حسنیان همراه بوده در قیام های آنان حضور داشتند. چنانکه زیدیان پس از انتصاب و جانشینی

نفس زکیه از سوی یحیی رهبر کاربزماتیک خود، با حسنین ارتباط داشتند. مشارکت فرزندان زید^۱ در قیام محمد بن عبدالله و همراهی زیدیان با ابراهیم بن عبدالله (ابوالفرج، ۳۰۴/۱)؛ - چنانکه به گزارش مسعودی چهارصد تا پانصد تن از زیدیان با ابراهیم بن عبدالله همراه بودند- (مسعودی، ۳/ ۲۹۶-۲۹۷)، از نخستین نمونه‌های حضور زیدیان با قیام‌های علویان حسنی است.^۲ بنا به گزارش منابع، محمد بن عبدالله (نفس زکیه) به گروهی از زیدیان مدینه وصیت کرد تا بعد از او از برادرش ابراهیم اطاعت برده و پس از ابراهیم، عیسی فرزند زید بن علی علیه السلام را رهبر خود قرار دهند (نجفیان رضوی، ۳۴۵). با مراجعه به منابع تاریخی و کتب فرق و ملل و نحل مشاهده می‌شود که مهم‌ترین امامان زیدیه، پس از زید بن علی علیه السلام و فرزندش یحیی، محمد و ابراهیم پسران عبدالله محض، حسین بن علی (شهد فخر)، ابوالسرایا، ابن طباطبا از علویان حسنی بودند که در دوران خلافت عباسی (۱۳۲-۶۵۶) قیام کردند (ولوی، ۱/ ۱۳۱). از نیمه قرن دوم به تدریج مبارزات سیاسی پیروان زیدیه شکل جدیدی گرفت و امامان زیدی به جای شورش‌های منطقه‌ای، موفق شدند در نواحی مختلف قلمرو اسلام، حکومت‌های محلی تشکیل دهند. چنانکه در منابع از ادریسیان شمال آفریقا (طبری، ۱۹۲/۸)، زیدیان یمن (نوبختی، ۹۰) و علویان طبرستان (طبری، ۲۷۹/۹، ذیل حوادث سال ۲۵۰؛ مسعودی، ۶۸/۴) به عنوان حکومت‌های زیدی نام برده شده است (نوبختی، ۹۱).

۲. نهاد کاربزمایی

به منظور فهم راه‌حل زیدیه برای پر کردن خلأ رهبری و جانشینی کاربزمایی امامان زیدیه بعد از محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله محض، لازم است به باور و دیدگاه عقیدتی زید اشاره شود، زیرا اندیشه سیاسی و دینی زید بن علی علیه السلام به عنوان رهبر کاربزماتیک زیدیه علاوه بر اصول کلی اعتقادات فرقه زیدی در تعیین و انتصاب امامان زیدی نیز تأثیرگذار بود.

۱. حسین و عیسی فرزندان زید بن علی علیه السلام در قیام محمد نفس زکیه شرکت داشتند، (ابوالفرج، ۲۶۳). علاوه بر این زیدیان در قیام اشتر پسر نفس زکیه نیز حضور داشتند (ابن اثیر، ۵۹۵/۵-۵۹۶).
۲. برای آگاه‌تر شدن از ارتباط زیدیه و علویان حسنی (ر.ک. نجفیان رضوی، «واکاوی دلائل همراهی و همگرایی فکری اصحاب مذاهب اسلامی»، ۱۰۵-۱۰۹).

بر اساس چارچوب نظری پژوهش، سیر تاریخی فرقه زیدیه و سیادت کاریزماتیک زیدیه با رهبری و اقتدار زید بن علی آغاز شد. زید به عنوان رهبر کاریزماتیک زیدیان در کلام و افکار خود قائل به اصولی بود که بعدها در تعیین جانشین و زعامت فکری و سیاسی فرقه زیدیه، تأثیر بسیار داشت. بر مبنای دیدگاه زید، جانشین کاریزمایی وی باید صلاحیت و شرایط لازم را برای امامت و رهبری داشته باشد. باور زید درباره شروط امامت بر اصل قیام به سیف استوار بود، شرطی که باعث اختلاف و رقابت زید با برادرش امام محمد باقر علیه السلام شد. زید مسئله قیام را از شروط امامت و زعامت می‌دانست، اما امام محمد باقر علیه السلام با این استدلال که پدر ما زین العابدین علیه السلام امام بود، در حالی که در طول حیاتشان قیام نکرد (شهرستانی، ۱۱۵)؛ در حقیقت شرط قیام به سیف از نگاه زید را برای انعقاد امامت باطل اعلام کرد. علاوه بر این زیدیه بر طبق دیدگاه زید، معتقدند بعد از امام علی علیه السلام امامت از آن امام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام بود و بعد از آنها به فرزندان ایشان می‌رسد. در باور زیدیان امامت حضرت علی علیه السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام با نصّ صورت گرفته است، اما بعد از این سه امام، نصّ بر امامت هیچ علوی در دست نیست. به این ترتیب زیدیه در انتصاب امام، قائل به نص نیستند و مهمترین شروط امامت را خروج امام می‌دانند. البته در بحث امامت و بیان شروط امام، نسب اهمیت داشت و امامت را به فرزندان امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام محدود می‌کردند. زیرا به نظر زیدیان امام باید فاطمی و از اعقاب امام حسن علیه السلام و حسین علیه السلام باشد، بنابراین هر یک از اعقاب آنها که شرایط و صلاحیت داشته برای مبارزه با ظلم و ستم و در راه خدا قیام به سیف کند و البته قادر به دفاع باشد، امام است (اشعری، ۱۴۲-۱۴۳؛ نوبختی، ۹۰). به این ترتیب با اقدام زید بن علی علیه السلام جریانی جدید در انتصاب و زعامت سیاسی شیعه شکل گرفت.

۲.۱. فرهنگ‌سازی نهاد کاریزمایی^۱

بازخوانی گزارشهای تاریخی نشانگر آن است که هر چند شکست زید به معنی افول جاذبه کاریزمایی او تعبیر می‌شود اما قیام و اصول فکری زید، به تدریج در جامعه

۱. این تعبیر از مقاله «جانشینی پیامبر؛ انتقال کاریزما»، دکتر فهمه فرهمندپور گرفته شده است (فرهمندپور، ۲۱).

باوری را شکل داد که قالب و ساخت و ساز آن با اندیشه امامت منصوح و جانشینی اهل بیت متفاوت بود. از آنجایی که انقلابی‌گری، سرشت حرکت‌آفرینی و تحول‌زایی لازمه دوام و بقای شخصیت کاریزماست، بنابراین زید با طرح قیام به سیف، توانست زمینه استمرار و تداوم جاذبه کاریزمایی در جامعه را فراهم نماید. به نظر وبر در اقتدار کاریزمایی اطاعت از شخص به سبب اعتماد به او، یا وحی نازل شده بر او، یا قهرمانی و سرمشق بودن است. زیرا به تدریج ویژگی‌های فکری و روش رهبر کاریزمایی به پیروان نفوذ می‌کند. اعتبار بخشیدن به مبانی فکری زید بن علی علیه السلام و نهادینه شدن آن، فرصتی برای علویانی بود که اندیشه زعامت دینی و سیاسی داشتند. به این ترتیب علویان فاطمی نسب با خروج و قیام توانستند رهبری کاریزمایی زیدیه را به دست آورند، چرا که به تعبیر وبر طبق شواهد و علایم، صلاحیت سیادت را داشته‌اند. به بیان دقیق‌تر برخی از علویان با تغییر ملاک استحقاق تصدی خلافت و با کاریزمایی معرفی کردن جایگاه خلافت و امامت - بدین معنی که نهاد کاریزمایی به جای فرد کاریزما ایجاد شد - (فرهمندپور، ۱۶) آن را جایگزین رهبری فکری و سیاسی ائمه کردند. چنانکه یحیی بن زید با زعامت قیام شیعیان خراسان، رهبر کاریزماتیک زیدیان شد. در منابع تاریخی، گزارشی مبنی بر بیعت هواداران و پیروان زید با یحیی در دست نیست و علاوه بر این به جانشینی یحیی از سوی زید نیز اشاره نشده است. تنها در یک مورد به انتصاب ائمه زیدی به تعیین جانشین توسط خود کاریزما و قبول آن از سوی پیروان اشاره شده است و آن تعیین و انتصاب رهبری محمد و ابراهیم فرزندان عبدالله محض بنا به وصیت یحیی بن زید بوده است. طبق گزارش‌های تاریخی، ابراهیم نخست برای برادرش محمد بیعت می‌گرفت و بعد از کشته شدن و سرکوب نهضت نفس‌زکیه برای خود دعوت می‌کرد (یعقوبی، ۳۸۷/۲؛ ابوالعباس حسنی، ۴۲۸؛ ابن‌اثیر، ۵/۵۶۳). راه حلی که وبر آن را از رایج‌ترین شیوه‌های انتخاب رهبر کاریزما می‌داند (وبر، اقتصاد و جامعه، ۲۶۱). به جز موارد یاد شده جانشین کاریزماتیک زید، بر مبنای اصول فکری و کلامی زیدیه بود. به بیان دیگر زیدیه با تعیین شروط لازم برای جانشینی و رهبری جامعه اسلامی چون قیام به سیف، مرجعیت فکری و عملی امامت را که بر نص استوار بود، کنار گذاشتند. علاوه بر این زیدیان، با اعتبار بخشیدن به شرط فاطمی بودن امام،

فرصتی را برای تمام علویانی که اندیشه خلافت و حکومت داشتند، فراهم کردند. بنابراین با توجه به راه‌کارهایی که وبر برای تعیین جانشین رهبر کارizmایی تعیین کرده، روش زیدیان برای حل بحران جانشین رهبر کارizmاتیک بعد از زید، ایجاد دستگاه کارizmایی بود که بر این اساس مشروعیت رهبری کارizmاتیک امامان زیدی با قیام به سیف، مبارزه علیه ظلم و ستم و داشتن نسب فاطمی از سوی پیروان، تأیید می‌شد.

پذیرش رهبر کارizma از سوی پیروان یا به گفته وبر توسط کسانی که در معرض سیادت هستند، برای اعتبار کارizma مهم و تعیین‌کننده است. این پذیرش آزادانه است و با عنوان نشانه و دلیل تضمین می‌شود. البته در مواقعی که کارizma اصیل باشد، دیگر نشانه برای ادعای مشروعیت اساس نیست و مبنای این مدعا در احساس وظیفه کسانی است که دعوت به پذیرش کارizmایی شده‌اند. بنا بر نظریه وبر موضوع مهم در سیادت کارizmاتیک این است که فرد دارای سیادت کارizmایی از سوی پیروانش چگونه ارزیابی شود (همو، ۱۳۵۵).

نتیجه‌گیری

زیدیان از لحاظ سیاسی، مذهبی، فکری و کلامی خود را پیرو زید بن علی بن حسین علیه السلام می‌دانند که در اواخر حکومت اموی وارد صحنه سیاست شد. تبار خانوادگی، شخصیت مذهبی، دشمن‌ستیزی و مبارزه علنی علیه ظلم و ستم برای زید در جامعه اسلامی جاذبه و اعتباری به وجود آورد که زمینه‌ساز شکل‌گیری کارizmایی وی شد. رهبر کارizmایی زیدیان توانست با مجموعه‌ای از ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری و ارائه راه‌حل برای رفع بحران وارد صحنه شود و هسته‌ای از یاران را تشکیل دهد. از سویی فشارهای سیاسی و اجتماعی که بر شیعیان اعمال می‌شد و عواطف ناشی از مواجهه با بحران، پیروان را تحت تأثیر قرار داد تا به فرایند کارizmایی زید پاسخ دهند. بر مبنای اقتدار (سیادت) کارizmاتیک اگر رهبر کارizma موقعیت‌هایی به دست آورد جنبش تقویت می‌شود و تداوم می‌یابد و اگر به موفقیت نرسد از نفوذ و اعتبار وی کاسته می‌شود. جاذبه استثنایی زید نیز به جهت عدم همراهی پیروانش افول کرد؛ اما دیدگاه زید که مرجعیت سیاسی و فکری شیعیان را در قیام به سیف می‌دانست، سبب

شد گروهی از علویان که امامت را نه بر مبنای نص، بلکه در قدرت سیاسی می‌دیدند، اصول و اعتقادات فکری و کلامی او را پذیرفته قائل به استمرار قدرت کاریزمایی وی شوند. بر این اساس دستگاه کاریزمایی گرداننده اجتماع کاریزمایی به وجود آمد که اهرم قدرت سیاسی را بر مبنای اندیشه و دیدگاه زید تبیین و توجیه کرد. در این صورت با نهادینه شدن اصول فکری و اعتقادی زیدیه، هر فرد دارای نسب فاطمی با مبارزه سیاسی و قیام به سیف، مشروعیت امامت زیدیه و صلاحیت به رسمیت شناخته شدن از سوی پیروان تحت سیادت را دارا بود.

منابع

- ابن اثیر، ابوالحسن عزالدین، *الکامل فی التاریخ*، بیروت: دارصادر، ۱۹۶۴ م.
- ابن خلدون، عبدالرحمان، عبدالرحمان، *العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی تاریخ العرب و العجم و البربر و عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر*، تحقیق خلیل شحاده، بیروت: دارالفکر، ۱۴۰۸ ق.
- ابن طقطقی، محمد ابن طباطبا، *الفخري فی الآداب السلطانية و الدول الاسلامیة*، تحقیق عبدالقادر محمد مایو، بیروت: دارالقلم العربی، ط الأولى، ۱۴۱۸ ق.
- ابوالعباس حسنی، احمد بن ابراهیم، *المصابیح*، عمان: مؤسسه امام زید بن علی الثقافیه، ۱۴۲۲ ق.
- ابوالفداء، عمادالدین اسماعیل، *المختصر فی أخبار البشر*، بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
- ابوالفرج اصفهانی، علی بن الحسین، *فرزندان ابوطالب*، ترجمه جواد فاضل، تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی، ۱۳۳۹ ش.
- اشعری، سعد بن عبدالله، *المقالات و الفرق*، ترجمه یوسف فضایی، تهران: انتشارات عطائی، ۱۳۷۱ ش.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *انساب الاشراف*، جلد اول محمد حمیدالله، جلد چهارم ۱۹۳۶ مصر: مطبعه القدس، ۱۹۳۸ م.
- بندیکس، زینهارد، *سیمای فکری ماکس وبر*، ترجمه محمود رامبد، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۲ ش.
- ترنر، برایان. اس، *وبر و اسلام*، مترجمان حسین بستان و علی سلیمی و دیگران، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۸ ش.
- جلایی پور، حمیدرضا و مجید فولادیان، «شرایط شکل گیری و یا افول رهبر کاریزمایی، مطالعه مورد دوره خاتمی (۱۳۷۶-۱۳۸۴ ش)»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال سوم، شماره چهارم، ۱۳۸۷ ش.
- جلایی پور، حمیدرضا و مجید فولادیان، «مقایسه سلطه فره مندانه و سلطه کاریزماتیک با اتکا به آراء وبر؛ ایضاح یک خلط مفهومی»، فصلنامه مطالعات میان رشته ای در علوم

- انسانی، دوره هشتم، شماره ۳، تابستان ۱۳۹۵.
- حقیقت، عبدالرفیع، جنبش زیدیه در ایران، بی جا: انتشارات آزاداندیشان، ۱۳۵۹ ش.
 - شهرستانی، عبدالکریم، الملل و النحل، ترجمه محمدرضا جلالی، بی جا: انتشارات اقبال، ۱۳۵۰ ش.
 - صحیفه سجادیه، به کوشش محمد علی ابطحی، بی جا: مؤسسه امام مهدی، ۱۴۱۱ ق.
 - طبری، أبوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الأمم و الملوک، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم، بیروت: دار التراث، ۱۹۶۷ م.
 - عابدی جعفری، حسن، «جاذبه استثنایی، تحول مفهوما و مصداقها»، مصباح، پاییز ۱۳۷۳ ش، شماره ۱۱.
 - فرهمندپور، فهمه، «جانشینی پیامبر؛ انتقال کاریزما»، تاریخ اسلام، سال ۵، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۱۸.
 - کرایب، یان، نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی پرست، تهران: انتشارات آگاه، ۱۳۸۲ ش.
 - کریمان، حسین، سیره و قیام زید بن علی علیه السلام، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۴ ش.
 - کلینی، محمد بن یعقوب، بهشت کافی، ترجمه حمیدرضا آذیر، قم: انتشارات سرور، ۱۳۸۱ ش.
 - ماسینیون، لویی، جغرافیای تاریخی کوفه، ترجمه عبدالرحیم قنوات، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و انتشارات سمت، ۱۳۸۸ ش.
 - محلی، احمد بن محمد، حدائق الوردیه؛ تحقیق مرتضی بن زید مصطفوی، صنعا: بدرالعلمی و الثقافی، ۱۴۱۳ ق.
 - مسعودی، أبو الحسن علی، مروج الذهب و معادن الجواهر، تحقیق اسعد داغر، قم: دارالهجره، ۱۴۰۹ ق.
 - مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الارشاد، بیروت: انتشارات مؤسسه اعلمی، بی تا.
 - موقن، یدالله و احمد تدین، عقلا نیت و آزادی؛ مقالاتی درباره ماکس وبر، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۷۹ ش.

- نجفیان رضوی، لیلا، «واکاوی دلائل همراهی و همگرایی فکری اصحاب مذاهب اسلامی؛ زیدیه، معتزله و مرجئه با نخستین قیام‌های سادات حسنی تا سال ۱۴۵ ق»، مطالعات تاریخ فرهنگی، بهار ۱۳۹۱، سال ۳، شماره ۱۱.
- نجفیان رضوی، لیلا، حیات سیاسی حسنیان تا سال ۱۴۵ ق، تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام، ۱۳۹۴ ش.
- نقیب‌زاده، احمد، درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: سمت، ۱۳۸۷ ش.
- نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ترجمه: محمد جواد مشکور، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۳ ش.
- وبر، ماکس، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس، ۱۳۸۲ ش.
- وبر، ماکس، اقتصاد و جامعه، ترجمه: عباس منوچهری و دیگران، تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۴ ش.
- ولوی، علی محمد، تاریخ علم کلام و مذاهب اسلامی، تهران: انتشارات بعثت، ۱۳۶۷ ش.
- هارونی، ابوطالب یحیی، الإفادة فی تاریخ الأئمة السادة، تصحیح محمد کاظم رحمتی، تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۷ ش.
- هندز، مارتین، «ریشه‌شناسی جریان‌های سیاسی کوفی در نیمه نخست قرن اول هجری»، ترجمه محمد علی رنجبر، تاریخ اسلام، سال ۳، بهار ۱۳۸۱، شماره ۹.
- یعقوبی، ابن‌واضح، احمد بن أبی یعقوب، التاریخ، بیروت: دار صادر، بی‌تا.